

آیا حَلَزُون دیده‌ای؟ حَلَزُون‌ها بدنی نرم دارند. بیش‌تر آن‌ها، یک صدف دارند که به پشت‌شان چسبیده است. هر وقت حَلَزُون احساس ترس می‌کند، همی بدنش را داخل این صدف می‌برد. حَلَزُون خیلی آرام حرکت می‌کند و هنگام حرکت، سر و بدنش از صدف بیرون است. صُبْح‌ها اگر کنار سبزه‌ها و مزرعه‌ها قدم بزنی، تعداد زیادی حَلَزُون می‌بینی. حَلَزُون وقتی حرکت می‌کند، اثرش روی زمین یا هر چیز دیگر باقی می‌ماند. آیا می‌دانی که به حَلَزُون، «حیوانِ خانه‌به‌دوش» می‌گویند؟

ح ح



صدای اذان را از مسجد شنیدم. همراه پدرم به مسجد رفتم. کنار حوض، وضو گرفتم. وقتی داخل مسجد شدیم، مردم نشسته بودند. دوستم رضا در مسجد نبود. پدرش را دیدم. به او سلام کردم و پرسیدم: «چرا امروز رضا نیامده است؟».

پدرش گفت: «رضا مریض است». من و پدرم برای سلامتی رضا دعا کردیم. بعد از نماز، از پدرم اجازه گرفتم و به دیدن رضا رفتم.

فرض

